



یکشب از هزار و یکشب!

«در دلد داروساز مسؤل شیفت شب»

یکدیگر هستند!!، که البته این يك نقطه امید
تلقى میشود چرا که اگر حسن دواى حسین را
بررد!! (به اشتباه)، اتفاق ناگواری وقوع
نخواهد یافت. اما گذشته از آن تولیدانبوه و
مشابه نسخ چیز دیگری نیز حیرت مراسب میشود:
همکار محترمی که پزشکی سابقه مند!! هم
بنظر میرسد (با گمانه زنی از روی شماره نظام

شیفت شب داروخانه را عهده دار بودم وبا
کثرت و ازدحام بیمار مواجه. داروخانه
در جنوب شهر قرار دارد که منطقه ای پر جمعیت
است و در نتیجه مریض خیز!!، بخصوص که دو
سه تا در مانگاه شبانه روزی اطراف داروخانه در
رقابتی شگفت انگیز به تولید انبوه نسخه دست
زده اند. نسخه های هر در مانگاه تماماً رونوشت

پزشکی) برای هر يك از بیمارانش سهمیه یکسانی از جنتامایسین مقرر فرموده، هی نسخه می پیچم و هی بخودم می پیچم، آخر در هیچ کتاب و کلاس درسی به ما نگفته اند که يك الی دو آمپول جنتامایسین برای يك دوره آنتی بیوتیک درمانی کفایت میکند. سر در نمی آورم. در شلوغی داروخانه سر کتاب ها را باز میکنم و ورق میزنم، سروصدای بیماران بلند میشود: آقا بجنب، ناگهیر میجنبم، شماره در مانگه را میگیرم، عرض سلام میکنم و تقدیم ارادت. از همکار محترم استدعا میکنم این جسارت را بر بنده در دل این شب تار و آغشته به رگبار ببخشایند که مصدع اوقات شریفشان شده ام. بعد مسئله را مطرح میکنم: جناب دکتر، این یکی دو تا جنتامایسین حضر تعالی در اکثر نسخ، مبنای صرفه جوئی دارد یا يك یافته نوین علمی است؟

تندر خشمش با انفجار رعدی در آسمان آمیخته میشود: آقا... فضولی نکنید، در امر پزشکی دخالت نکنید هر چه نوشته ام همانست و لاغیر و ... در آن سوی سیم، گوشی بر تلفن کوبیده میشود و در این سو من «فضول!!» برصندلی!!.

عرق های روی پیشانی ام را پاك می کنم و سعی می نمایم تا سرخی صورتم را از بیماران منتظر دارو پنهان سازم.

حالا تنها به این فکر می کنم که اگر تولید انبوه پزشك قرار باشد نتایجی این چنینی داشته باشد و رابطه پزشك و داروساز را اینگونه پاسداری نماید! تکلیف بیمار چه میشود و سرانجام جوابگوی چنین طبابتی کیست؟

